

نقش و جایگاه مادر در تربیت دینی کودک؛ با تأکید بر ارتباط با خدا

طاهره آذرخش *

حسن نجفی **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۲

چکیده

در دین اسلام «مادر» نخستین و مهم‌ترین مربی است که بر شاکله تربیتی کودک تأثیری ماندگار می‌گذارد. این تأثیر می‌تواند در جهت رشد یا تخریب شخصیتی و هویتی کودک باشد. بر این اساس، این تحقیق با هدف شناسایی نقش مادر در تربیت دینی کودک از منظر قرآن و عترت مورد بررسی قرار گرفته که شامل دوران پس از تولد تا پایان دوران کودکی یعنی ۱۲ سالگی است. روش به کار گرفته در این تحقیق توصیفی - تحلیلی است. نتیجه کلی نشان داد که طبق آیات و روایات مادر نقش شایان توجهی در تربیت دینی کودک بر عهده دارد و این نقش در بعد اعتقادی و ارتباط با خدا بسیار قابل توجه و سرنوشت‌ساز است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که نقش مادر در شناخت از خدا، محبت کودک به خدا، توکل کودک به خدا، دعای کودک به درگاه خدا و شکرگزاری کودک نسبت به خدا مورد تأکید و سفارش است.

کلیدواژه‌ها: کودک، تربیت دینی، اعتقادات، پرورش ارتباط کودک با خدا، نقش مادر.

* دانش‌آموخته سطح سه، مدرسه علمیه عالی حضرت آمنه علیها السلام، قم nasimdel33@gmail.com

** دکترای مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی رحمته الله علیه hnajafih@yahoo.com



مقدمه

حیات فردی و اجتماعی کودک، از خانواده آغاز می‌شود و شکل می‌گیرد. خانواده مرکز پذیرش، انس و تعلق است، مرکز تشکیل پندار و اخلاق و پیدایش فلسفه حیات است و بالاخره، نخستین مدرسه، مکتب و محل درس‌آموزی‌های زندگی محسوب می‌شود. خانواده، محیطی است که کودک را در برمی‌گیرد و در او نفوذ می‌کند. در محیط خانواده، مادر به‌عنوان اولین فردی که کودک با او تعامل دارد، دوره قبل از تولد را با او سپری کرده و پس از آن، دوران شیردهی، نوزادی و کودکی را با محبت مادر سپری می‌کند. پس تمام احساسات، افکار و رفتار کودک متأثر از مادر خواهد بود و تمام امور در بعد فردی و اجتماعی، از جمله شناخت، عواطف و رفتار ناشی از افکار و عملکرد مادر است. نقش مادر در تربیت دینی کودک، از آنجا است که مسلمانان دین را برنامه جامع و کامل زندگی بشر می‌دانند و معتقدند: تمام امور از جمله مبانی تربیتی در آن نهفته است. با توجه به نقش بی‌بدیل مادر در تربیت، می‌توان به نقش او در تربیت دینی نیز اشاره کرد. بسیاری از خوی‌ها، رفتارها، کردارها و گفتارهای کودک از این محیط و به خصوص مادر نشأت می‌گیرد؛ زیرا طفل در آن محیط چشم به دنیا می‌گشاید، شرایط گذران خانواده و امور آن را می‌بیند و براساس آن، مسیر زندگی و راه آن را می‌آموزد. در ارتباط با این موضوع، تحقیقات مختلف داخلی و خارجی انجام شده است که از جمله آن، می‌توان به کتاب نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، نوشته احسانی (۱۳۸۷) اشاره کرد. مؤلف در این اثر می‌کوشد با توجه به آیات و احادیث و سیره معصومان علیهم‌السلام نقش مادر را در تربیت دینی فرزندان بررسی و دیدگاه اسلام

را در این زمینه تبیین کند.

همچنین، جوکار (۱۳۹۱)، در مقاله «مادر و تربیت دینی فرزند»، به بیان وظایف مادر پس از تولد تا پایان هفت ساله اول، با توجه به آیات و روایات می‌پردازد. آران و نایب کبیر (۲۰۱۲)، در مقاله «نقش والدین در تربیت دینی و اجتماعی کودکان»، به بررسی انتخاب همسر مناسب پرداخته و معتقدند که در اسلام ناب محمدی ﷺ، تغذیه با رزق حلال، رعایت تعادل در آموزش و تشویق به نماز و سایر مناسک، آگاهی از مسائل دینی، صبور بودن، پرهیز از اجبار در دعوت به امور دینی، تشویق به جستجوگری در معارف دینی و تهیه کتاب‌ها و مجلات مناسب در جهت‌گیری دینی کودکان اثربخش هستند. ون نیکرک و برد (۲۰۱۸)، در مقاله «نقش والدین در رشد ایمان از بدو تولد تا هفت سالگی»، معتقدند که در دهه‌های گذشته، مطالعات مختلف نشان داده‌اند که خانواده‌ها تأثیر قابل توجهی بر دینداری و مشارکت مذهبی فرزندان دارند. برای مثال، یک پروژه تحقیقاتی متشکل از پاسخ دهندگان در آفریقای جنوبی با عنوان «جوانان کلیسا و مذهب در آفریقای جنوبی» نشان داد که بسیاری از پاسخ دهندگان این مطالعه (۶۵ درصد)، احساس کردند که خانواده‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از ایمان مسیحی هستند. یکی از سؤالات این بود که کدام شخص بیشترین نقش را در رشد ایمان پاسخ دهندگان داشته است. پاسخ‌ها نشان داد بالاترین جایگاه با ۸۱ درصد متعلق به مادر است. چنین یافته‌ای، یعنی جایگاه والای مادر در تربیت دینی فرزند، در یادداشت نارو (۲۰۰۰) و رساله دکتری بانل (۲۰۱۶)، در دانشگاه لیبرتی آمریکا، که یک دانشگاه خصوصی مسیحی است، هم وجود دارد. در این تحقیقات، به واکاوی نقش مادر در اوان کودکی پرداخته شده است.



این مقاله، ضمن تعریف تربیت، دین، تربیت دینی و کودک، به بررسی نقش‌های مادر در ارتباط دهی کودک با خداوند متعال پرداخته و از این جهت دارای نوآوری است.

مفهوم‌شناسی

۱. تربیت

با توجه به معنا و مفهوم تربیت انسان، مفهوم واژه «تربیت»، بر پرورش استعداد های آدمی دلالت می‌کند. راغب اصفهانی در این باره می‌گوید: «رَبِّیْتُ»، از واژه «رَبَّو» است و گفته‌اند: اصلش از مضاعف، یعنی «رَبَّ» است. به این صورت که یک حرف مضاعف حرف «باء» برای تخفیف به «یاء» تبدیل شده است. مثل «تظننت» که برای تخفیف به «تظنیت» تبدیل شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۰). «رَب» در اصل به معنای تربیت است و معنای آن ایجاد چیزی یا حالتی، به تدریج و در مراحل مختلف است تا به حد کمال و تام خود برسد (همان، ص ۳۳۶). با توجه به این معنا، تربیت پرورش توانایی‌های انسان است؛ یعنی فراهم شدن زمینه‌ای برای شکوفاسازی تدریجی استعداد های انسان تا به نهایت و کمال خود برسد.

۲. دین

در معنای اصطلاحی، دین تعاریف گوناگونی بیان شده که در بیشتر آنها، اعتقاد و عمل در نظر گرفته شده است، ولی به نظر می‌رسد، بهترین و کامل‌ترین تعریف، از آن علامه طباطبایی رحمته‌الله باشد. ایشان تعریف دین را در چندین فراز آورده



است: دین واژه‌ای در زندگی دنیوی است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می‌کند. از این رو، لازم است شریعت در برگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسانی دیگر پاسخ گوید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۴). تلقی ما از دین، تلقی خاص بوده، ادیان غیرآسمانی را شامل نمی‌شود؛ دین منتخب ما، اسلام است که بر تمام ابعاد وجودی انسان احاطه دارد.

۲. تربیت دینی

منظور از «تربیت دینی»، همان تربیت دینی - اسلامی است. بنابراین، تربیت دینی عبارت است از: «رشد و تقویت عقاید دینی، حالات و عواطف مذهبی و تقید به مناسک و آداب دینی، برای تحقیق شخصیتی دیندار» (باقری، ۱۳۸۰، ص ۷). به عبارت دیگر، فراهم کردن زمینه‌هایی برای شکوفایی روح بندگی و التزام اعتقادی و عملی به دین با تمام کلیت. تربیت دینی، فرآیندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات و به تعبیر علامه جعفری، حیات معقول مهیا می‌سازد (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۹). این نحوه زندگی، بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین شده‌ای شکل می‌گیرد که از طریق دین و عقاید و شریعت، به آدمی عرضه شده است. ترکمن (۱۳۹۷) معتقد است: در تربیت دینی، انسان با وظایف و تکالیف خود در شریعت و دین آشنا می‌شود؛ هم مسائل اندیشه‌ای و اعتقادی خود را استوار می‌سازد و هم در جهت مسائل انگیزشی، اخلاقی و تخلق به فضائل و دوری از رذائل می‌کوشد و هم در فروع عملی و مسائل کنشی، به درستی رفتار می‌کند.



نقش مادر در تربیت دینی کودک

تعلیم دینی، بیش از هرکس و هرچیز، برعهده خانواده و مادر است؛ نه مدارس، مساجد و جلسات؛ از این جهت که رفتار کودکان در همه حال، تصویری از رفتار والدین به خصوص مادر است. در اینجا به نقش مادر در ایجاد و دوام مباحث اعتقادی در کودک می‌پردازیم:

الف. معرفی و شناساندن خدا به کودک

اسلام دینی است که همه نیازهای انسان و جامعه انسانی را مورد توجه قرار داده، قوانین و راه‌حل‌های بیسیار دقیق در هم‌آزمینه‌ها وضع کرده است که پیروی از آن، ضامن سلامت و سعادت فرد و جامعه است. از جمله در امر تعلیم و تربیت، بسیار دقیق و ظریف وارد شده و همه ابعاد و ساحت‌های انسان، اعم از معنوی و مادی، عقلانی و عاطفی، اجتماعی و فردی و... را به طور کامل مورد توجه قرار داده است. از آنجایی که توحید و خداشناسی، یکی از نیازهای واقعی و بنیادی انسان است و ریشه در اعماق جان و فطرت او دارد؛ اسلام آن را به منزله یک برنامه جامع تربیتی برای پرورش و تکامل روح و روان انسان، در قالب راه‌ها و شیوه‌هایی برنامه‌ریزی کرده است. ولی آگاهی نداشتن برخی از والدین و مربیان به این واقعیت موجب شده است تا برخی بپندارند که دین اسلام اصول و شیوه‌ای برای تربیت اعتقادی ندارد. مادر در شناساندن خداوند به فرزند خویش باید به نکات ذیل توجه داشته باشد:

۱. کودک در هر دوره از رشد خود، ادراک خاصی از خدا و توانایی او دارد. کودک در سنین ۳ تا ۶ سالگی از درک مفاهیمی درباره خدا چون شکل، مکان و



خصوصیات اوناتوان است و از خدا تصویری انسان گونه در ذهن دارد. در سنین ۶ تا ۹ سالگی از خدا تصویری مادی دارد و از درک مفاهیم انتزاعی ناتوان است. در سنین ۹ تا ۱۳ سالگی، رفته رفته کودک توان درک مفاهیم انتزاعی را می یابد. در این سنین، کودک درک می کند که نمی توان خدا را با چشم مشاهده کرد. همان گونه که به مرور زمان توانایی ذهنی کودک پیشرفت می کند، او آماده می شود تا درکی مطابق با واقعیت از خدا پیدا کند. بنابراین، مادر باید در گفت وگوهای خود درباره خدا با کودک توانایی ذهنی او را مدنظر بگیرد و به یاد داشته باشد که بسیاری از تصوره های او از خدا، که برای ما عجیب است، به مرور زمان و رشد توانایی ذهنی او خود به خود رفع می شود.

۲. انتظار می رود مادر اطلاعات خود را درباره توانایی های ذهنی کودک، در طول دوران رشد افزایش دهد. بدن منظور، پیشنهاد می شود مادر احادیث مربوط و کتاب هایی که درباره روان شناسی تحول دین داری وجود دارند، مطالعه کند.

۳. چنانچه در حضور کودک، درباره خدا صحبت می شود، سعی شود کلماتی به کار برده شود که در حد توان ذهنی او باشد و از به کار بردن مفاهیم غیرقابل درک برای کودک اجتناب شود.

۴. چنانچه کودک از خدا برداشتی غلط داشت، مادر برای اصلاح این برداشت به جای بحث از این مفاهیم و استدلال های مشکل، باید توانایی ذهنی کودک را مدنظر بگیرد.

۵. مادر نباید انتظار داشته باشد که فرزندش در مدت کوتاهی، همه مسائل توحیدی و ویژگی های خداوند را بشناسد؛ چرا که این پندار و انتظار بسیار خطرناک و آسیب زا است. لازم است در همان روزهای نخست، به تدریج زمینه را



در کودک فراهم کرده، اطلاعاتی را به فراخور درک و نیاز او درباره خدا ارائه دهد. مادری که به دلیل سهل‌انگاری، ذهن شفاف و پرسش‌گرفرزندش را با خداوند و صفات و کارکردهای او آشنا نسازند، در آینده با کودکانی روبه‌رو می‌شود که خداوند را به گونه‌ای نادرست و با برداشت‌هایی ناصواب می‌شناسد. از این رو، توجه به خداشناسی کودکان در منزل، در حد اعتدال و توانایی مادر، می‌تواند خانه را به عنوان اولین پایگاه خداشناسی قرار دهد و اطلاعات پایه‌ای را به فرزند منتقل کند. در همین راستا، باید دانست که هر کودکی طبعاً خداجواست و کششی فطری به سوی خداوند دارد، مگر اینکه عوامل خارجی فطرتش را آلوده گرداند و از صراط مستقیم منحرف سازد. چنانکه امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هرنوزادی با فطرت خدایی به دنیا می‌آید و پرورش می‌یابد؛ یعنی خدای عز و جل را خالق و آفریننده خود می‌داند» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۳). بدین منظور، مادر به عنوان یکی از ارکان تربیت فرزند باید به معرفی خدا بپردازد.

ب. محبت کودک به خدا

از بزرگ‌ترین امتیازات اسلام این است که زیربنای اصلی آن بر محبت مبتنی است. برخی بر این تصورند که ریشه محبت شامل امور مادی و شهوانی نیست! ولی باید توجه کرد که محبت در دو بُعد مادی و معنوی است. اگر والدین ذهن جستجوگر فرزندشان را به درستی با خداوند آشنا نکنند، هر مکتبی غیر از دین الهی برای وی آسان‌تر جلوه کرده، خوشایند بوده و فرد را مجذوب می‌کند. این موجب می‌شود که طعم تلخی از سخت بودن اعمال دینی برای فرزند ایجاد شود.



اینجا موضوعی که بسیار حائز اهمیت است و والدین باید برای آن دقت نظر داشته باشند، «چگونگی آموزش مسائل دینی به فرزند است» که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این زمینه، نقش والدین، به خصوص «مادر» بسیار مهم است؛ زیرا نقش پررنگ مادر از بدو تولد فرزند در تربیت آن برهیچ کس پوشیده نیست؛ مادر است که باید زمینه تربیت دینی کودک خود را از همان اوان کودکی آغاز کند. معرفی خدا به کودک مقدمه چینی لازم دارد که والدین باید گام به گام آن را انجام دهند. وقتی پدر و مادر در منزل اعمال عبادی انجام دهند، کودک نیز کم کم با مفهوم خدا آشنا می‌شود. به عنوان نمونه، وقتی مادر برای نماز خواندن خود را آماده می‌کند و وضو می‌گیرد، از سجاده‌ای زیبا استفاده می‌کند و چادر سفید قشنگ و خوشبو بر سر می‌گند، در ذهن کودک ایجاد سؤال و انگیزه می‌شود؛ اینکه مادر من می‌خواهد با چه کسی ملاقات کند و چه کاری انجام دهد. با همان نگاه معصومانه‌اش و درک کودکانه‌اش ممکن است از مادرش بپرسد که قضیه چیست؟ اینجا است که مادر باید عالمانه، بسیار ظریف و با زبان کودکانه، به این پرسش فرزند خود پاسخ دهد. مثلاً، در پاسخ با لحنی پرمحبت جواب دهد: دل‌بندم من می‌خواهم با خدا صحبت کنم؛ خدایی که به ما بسیار محبت کرده و نعمت‌های زیادی به ما بخشیده است. یکی از این نعمت‌های خوب و دوست‌داشتنی خدا دادن فرزند زیبا و باهوشی مثل توبه من هست. خدای مهربان، ما را بسیار دوست دارد. ما نیز باید خدا را دوست داشته باشیم. باید توجه داشت که درک واقعی کودک از خدا بسیار، محدود است. او با توجه به سن خود، از پروردگار در ذهن تصویرسازی می‌کند و سؤالاتی در ذهنش شکل می‌گیرد. کودک در هر سنی تصویری خاص از خدا دارد. برای مثال، در سن ۲ تا ۶



سالگی تصویری انسانی از خدا دارد؛ بدین معنا که فکر می‌کند خدا همانند انسان اعضای بدن دارد. در جایی به نام بهشت یا آسمان زندگی می‌کند. در این برهه زمانی، باید همیشه به او بگوییم که خدا به تو کمک می‌کند تا کارهای خوبی انجام دهی. گاهی از فرزندمان پرسیم: او که می‌فهمد خدا کیست، حال چه انتظاری از او دارد و در مورد خدا چه احساسی به او دست می‌دهد؟ روزی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نماز ظهر، دو رکعت آخر را به سرعت و با حذف مستحبات خواند. پس از نماز عده‌ای پرسیدند: ای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! در نماز حادثه‌ای پیش آمد که نماز را چنین سریع تمام کردی؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاسخ داد: مگر صدای گریه و بی‌تابی کودک را در میان زنان نشنیدید؟ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: «الَّذِينَ هُوَ الْحُبُّ وَالْحُبُّ هُوَ الدِّينُ»؛ دین همان محبت است و محبت همان دین است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۶۳). اگر مادری بخواهد فرزند خود را دیندار کند، باید محبت خدا را در دل او بکارد. ساده‌ترین راه این است که نعمت‌های خدا را برای فرزندش بازگو کند و آنها را یکی یکی بشمارد. به صورت عملی او را با این نعمت‌ها آشنا کند و با زبانی کودکانه، به او بفهماند که نبود هر یک از آن نعمت‌ها، چه سختی‌هایی برای ما انسان‌ها به ارمغان می‌آورد. در آخر به او بگوید: آیا کسی که این همه به ما نعمت داده، دوست داشتنی نیست؟ ما باید هر نعمتی که خدا به کودک داده را تفضلی از جانب خدا بدانیم. مثلاً، اگر برای کودک اسباب‌بازی خریدیم، بگوییم باید از خدا تشکر کند به خاطر پولی که به ما داده است. آگاه کردن کودک به کثرت نعمت‌هایی که خدای باری تعالی به ما ارزانی داشته است، مثل نعمت چشم که با آن می‌بینیم، گوش که با آن می‌شنویم، زبان که با آن

سخن می‌گوییم، میوه‌های خوشمزه که می‌خوریم و... او را متوجه محبت خدا به خودش می‌کند و بذر محبت در دلش ریشه می‌دواند و عاشق خدا می‌شود. کودک وقتی بداند که مورد علاقه خداوند است و هدایای فراوانی از سوی خداوند مانند پدر و مادر مهربان، دوستان خوب، بدن سالم و با نشاط، خوراکی‌های لذیذ و... به او داده، ارتباط بهتری با خدا برقرار کرده در نتیجه، زمینه اولیه شناخت بهتر خداوند و محبت خدا در او شکل می‌گیرد.

۴۵



ج. نقش مادر در توکل کودک به خدا

کودک هنگامی که مادرش را می‌بیند که در برهه‌های حساس زندگی به خداوند پناه می‌برد و براو توکل می‌کند، به این نکته پی می‌برد که نیرویی در عالم وجود دارد که مادرش در هنگام وقوع و پیشامد مشکلات و سختی‌ها به او وابسته است (آقامیری، ۱۳۹۷). بهترین روش آموزش توکل به کودک از سوی مادر، دادن اعتماد و اطمینان و حواله کردن همه امور به خداوند است که موجب می‌شود کودک بفهمد که نیروی مافوق طبیعتی وجود دارد که پدر و مادرش هنگام مشکلات به او متوسل می‌شوند و آن خداوند متعال است. اگر مادر با استفاده از شعر، داستان و نقاشی الطاف و نعمت‌های خداوند را به کودکش نشان دهند، موجب تقویت محبت خداوند در قلب وی می‌شود و اگر با استفاده از آن ابزار، از عظمت و قدرت پروردگارش و اینکه تمام امور به دست اوست، یاد کنند، موجب توکل داشتن فرزند در مسیر زندگی می‌گردد. همچنین، با بیان نمونه امدادهای غیبی خدا در زندگی پیامبران، امامان علیهم‌السلام و حتی حوادثی که برای کودک اتفاق افتاده و امداد الهی در کار بوده، می‌تواند زمینه امیدواری به خدا را در قلب کودک



ایجاد کند. فرزند باید بیاموزد که انسان می‌تواند با توکل به خدا و اعتماد به او و توانایی‌هایش، بر ترس‌های روحی و جسمی غلبه کند و اگر در زندگی با شکست مواجه شد، خداوند پشتیبان اوست؛ لذا اعتماد به نفسش را از دست نداده، برای کسب موفقیت تلاش خواهد کرد. به فرموده قرآن کریم: «إِنَّهُ لَیُبَیِّئُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷)؛ جز مردم کافرا از رحمت خدا مأیوس نمی‌شوند. البته از این نکته نباید غافل شد که کودک، بسیاری از خصوصیات اخلاقی، انگیزه‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها را از راه تقلید از پدر و مادر، به خصوص از مادر کسب می‌کند؛ بدون اینکه آموزش عمدی از جانب ایشان در کار باشد. وقتی او رفتارهای ذیل را از پدر و مادرش مشاهده می‌کند، خود بهترین آموزش توکل و امیدواری به خداوند است؛ بدین معنا که اگر والدین، به خصوص مادر هنگام برخورد با مشکلات اقتصادی و روحی عبارتی‌هایی مثل: «خدا بزرگ است»، «حتماً خدا خیری در این اتفاق قرار داده»، «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» و یا «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» بر زبان‌شان جاری کنند، از وضعیت پیش آمده به پروردگار شکایتی نکنند، همه چیز را به او سپرده و امید به رحمتش داشته باشند. یا هنگام خروج از خانه، آیه الکرسی خوانده و «وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» بگویند. یا در زمان شروع کار مهمی، آیه «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً» را قرائت کنند و... کودک نیز با مشاهده این سلسله اعمال، متوجه می‌شود نیرویی ما فوق طبیعت وجود دارد که پدر و مادرش به هنگام مشکلات به او وابسته‌اند و آن، همان خالق کل شیء، حضرت رب العالمین است.

از سوی دیگر، «تکرار، رمز نهادینه شدن برخی باورها در دوران کودکی است». استعمال زیاد عبارات حاوی توکل و امید به خدا داشتن، موجب نقش بستن این



مضامین در ناخودآگاه کودک می‌شود». برای مثال، حضرت زهرا □ به دلیل احساس مسئولیت در مسیر تربیت، هنگام غروب آفتاب با خداوند مناجات می‌کرد و کودکان را به این عمل تشویق می‌کرد. یا در شب‌های قدر، اجازه خواب به آنان نمی‌داد، بلکه اگر خواب بودند بیدارشان می‌کرد و با خوراندن غذای سبک، برای بیدار نگه داشتن آنان می‌کوشید: **كَانَتْ فَاطِمَةُ □ لَا تَدَعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهَا يَنَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَتُدَاوِيهِمْ بِقِلَّةِ الطَّعَامِ وَتَتَأَهَّبُ لَهُا مِنَ النَّهَارِ وَتَقُولُ مُحْرُومٌ مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا** (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۲). علاوه بر اینها، فرزندان خود را به محضر رسول خدا ﷺ می‌فرستادند تا قرآن، احکام و تعالیم دینی را فرا بگیرند. حضرت فاطمه عليها السلام با این اعمال قصد داشتند محبت خدا و دین را در وجود فرزندان‌شان شعله‌ور سازند تا در پی آن، سعادت دنیا و آخرت را کسب کنند. البته مادر در آموزش توکل به کودک، باید این نکته را هم به خاطر داشته باشد که اگر در فرزند خود زمینه‌ای ایجاد کند تا به او اعتماد کند و در پی اعتمادش پاسخ‌های مطلوب و متناسبی دریافت کند، به نوعی اعتماد و توکل به خدا را نیز می‌آموزد (شمس، ۱۳۹۹، ص ۱۳).

د. نقش مادر در دعای کودک به درگاه خدا

انسان در طول حیات، همواره با دعا مأنوس بوده و با آن به سربرده است. نیاز بشر به دعا چنان گسترده است که تنها اختصاص به مؤمنان نداشته، بلکه در طول تاریخ در زندگی کافران نیز وجود داشته است. ولی آنان، براثرگمراهی، این عمل مقدس و پراهمیت را در جایی غیر از جایگاه شایسته آن به کار می‌برند. آنها به جای اینکه نیاز خود به عالم غیب را در اعتقاد به خدای بزرگ و در طلب از او



جستجو کنند، برای رفع این احتیاج، به سمت غیر او متوجه شدند. دُعا، طلب و درخواست بندگان از خدا یا آنچه معبود می‌پندارند، برای رسیدن به خواسته‌هاست. در متون دینی، دعا به عنوان یکی از راه‌های ارتباط با خدا و برترین عبادت‌ها تأکید و با تعابیری مانند سلاح مؤمن و نور آسمان و زمین توصیف شده است. دعا در قرآن و روایات، به عنوان یکی از راه‌های ارتباط با خدا مورد تأکید قرار گرفته و برترین عبادت‌ها شمرده شده است. در آیه ۶۰ سوره غافر، خداوند مردم را به دعا کردن امر می‌کند و نوید اجابت می‌دهد. در این آیه، دعا نوعی عبادت محسوب شده و ترک‌کننده آن را از سربزرگی طلبی بیم دوزخ و عذابی خوارکننده داده است. طبرسی آیه ۶۰ سوره غافر را از مهم‌ترین آیات قرآن در بیان ارزش دعا نزد خداوند و فضیلت انقطاع از خلق معرفی کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۸۲۳). علامه طباطبایی آیه ۱۸۶ سوره بقره را که درباره دعاست، در بردارنده بهترین اسلوب و لطیف‌ترین معنا می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۱). مفسران با استناد به این آیه و احادیثی که ذیل آن وارد شده است، دعا را از سنخ عبادت دانسته‌اند و هر عبادتی را نیز دعا خوانده‌اند (همان، ج ۱۷، ص ۳۴۳). آموزش دعا کردن به کودکان، یکی از وظایف مهم مادر است. اگر چه این کار کمی دلهره‌آور است و ممکن است مادر را به چالش بکشد، به خصوص اگر کودک درباره ایمان از او سؤال کند، اما اگر مادر به همراه کودک خود دعا کند، ایمانش با او افزون خواهد شد. مادر باید هر چه زودتر کودکش را به دعا کردن عادت دهد. اگر در طول روز دعا می‌کند، این کار را بلند بخواند. کودک از اینکه صدا و نجوای مادر را هنگام دعا کردن بشنود، خشنود خواهد شد، حتی اگر معنی آن را نفهمد. با این روش هنگامی که او رشد می‌کند و بزرگ می‌شود، دعا کردن

بخشی از عادت زندگی او خواهد شد. به کودک بگویید که دعا کردن یکی از راه‌های صحبت کردن با خدا است. سپس درباره دعاهایتان با او صحبت کنید. بهتر است از کودکی به کودکان دعا کردن را یاد بدهیم. اما نه به صورت خشک و جدی، بلکه به شکل بازی و سرگرمی تا در ذهن بچه‌ها نقش ببندد و جزیی از آداب زندگی هر روزشان شود.

یکی از فواید دعا کردن با کودکان، این است که به افکار و نگرانی‌های کودک خود آگاه می‌شوید. هنگامی که کودک خود را ناراحت یا عصبانی می‌بینید، از او بخواهید دعا کند. در نزد کودک موضوعات زیادی مطرح می‌شود که برای تحقق این خواسته‌ها، به دعا و عبادت می‌پردازد. می‌توان برای کودک روشن ساخت که محبت به دیگران از طریق دعا به نفع خود انسان است و به اصطلاح از همان دست که بدهی، با همان دست پس می‌گیری. در مجموع، به نفع خود انسان تمام می‌شود؛ چرا که کسی که برای دیگران دعا می‌کند، این نوعی محبت کردن به دیگری است. بهتر است دعاهایی که به کودک تعلیم داده می‌شود، از دعاهای ساده قرآنی و عاشورا و ائمه باشد و مادر باید کودک را به تدریج با آداب و رسوم مستحب مذهبی به هنگام دعا آشنا کند. تا او عادت کند برخی از این آداب ساده را رعایت کند. به نظر می‌رسد، آموزش دعا کردن به درگاه خداوند متعال به کودک می‌تواند زمینه‌ساز تفکر در آنان شود. اینکه کودک از طریق دعا کردن با عظمت خداوند متعال آشنا می‌گردد و در زمینه آنها به تفکر می‌پردازد و خود همین تفکر کودکانه عالی‌ترین نوع عبادت است.





۵. نقش مادر در آموزش شکرگزاری به کودک

شکر، سپاسگزاری و قدردانی زبانی و عملی از نعمت‌های خدا است. عارفان مسلمان، شکر را به سه نوع زبانی، قلبی (علمی) و عملی تقسیم می‌کنند. شکر زبانی، اعتراف گفتاری به نعمت، شکر قلبی، دانستنِ نعمت از خدا و شکر عملی، اطاعت در رفتار و کردار از بخشنده نعمت (مُنعم) است. بنابراین برای قرآنی، شکر به نفع خود انسان است و شکر یا ناسپاسی، هیچ نفع یا ضرری برای خداوند ندارد؛ زیرا خدا از انسان و افعال او غنی و بی‌نیاز است. بر این اساس، شکر نعمت موجب برکت و افزون شدن آنها می‌شود. امام علی علیه السلام، شکر را نشانه ایمان و تقوا و مایه برکت و حفظ نعمت‌ها خوانده است. امام علی علیه السلام فرمودند: **إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا، فَمَنْ أَدَّاهُ زَادَهُ مِنْهَا، وَمَنْ قَصَرَ عَنْهُ خَاطَرَ يَزُولُ نِعْمَتِهِ.** (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۲۴۴). حضرت در این کلام نورانی اشاره به اهمیت مسئله شکر با تعبیر جدید می‌کند، می‌فرماید: خداوند در هر نعمتی حقی دارد. کسی که حق آن را ادا کند، آن نعمت را بر او افزون می‌کند و کسی که در آن کوتاهی کند، آن نعمت را در خطر زوال قرار می‌دهد. منظور امام علیه السلام از حق نعمت، همان شکر است؛ نه تنها شکر زبانی و قلبی، بلکه اساس شکر، شکر عملی است؛ یعنی از آن نعمت خداداد به نفع مظلومان استفاده کردن، صلح و رحمت به جا آوردن، آلام بیماران را تخفیف دادن، تعظیم شعائر نمودن و به فکری تیمان بودن و امثال این‌ها. شکر نعمت‌هایی مانند چشم و گوش و عقل و هوش، این است که آنها را در مسیر اهدافی که برای آن آفریده شده‌اند، به کار بگیریم. نعمت‌هایی که به او ارزانی داشته راضی باشد، ولی به هر حال شکر در صورتی کامل می‌شود که جنبه‌های عملی آن آشکار گردد. از بعضی روایات استفاده

می‌شود که علاوه بر اینها انسان باید از واسطه نعمت هم تشکر کند تا شکر او کامل گردد. عملی ساختن موارد بیان شده، توسط والدین، موجب پرورش فرزندی «شاکر» خواهد شد.

کودک در سال‌های اولیه زندگی، هر آنچه را ببیند و بشنود، به آسانی در حافظه خود حفظ و ضبط می‌کند، وقتی می‌بیند، پدر و مادر هنگام غذا خوردن بر طبق این آیه شریفه عمل می‌کنند: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لِرِيبَةٍ تَعْبُدُونَ» (نحل: ۱۱۴)؛ از نعمت‌هایی که خدا روزی شما کرده است، حلال و پاکیزه بخورید، و نعمت خدا را سپاس گزارید، اگر تنها خدا را می‌پرستید. یا وقتی وسایل نو و لباس جدید می‌خرند، یا برای سلامتی و حتی گاه به خاطر بیمار شدن و یا هنگام رخ دادن حادثه‌ای خداوند را سپاس می‌گویند و آیه زیر را عملی می‌سازند: «وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (ملک: ۲۳) و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد تا سپاس گزاری کنید. کودک نیز در تبعیت از آنان، خداوند را شکر می‌گوید. وقتی والدین در زمان و مکان مناسب معجزات، نعمت‌ها و خلقت پروردگار را به کودک یادآوری کنند، به آیات قرآنی در این باب توجه داشته و در آخر به او گوشزد کنند که: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم: ۷)؛ اگر سپاس گزاری کنید، قطعاً نعمت خود را بر شما می‌افزایم. کودک نیز هم شیوه تشکر و هم علت شکرگزاری را می‌آموزد. اگر هنگام هدیه دادن، این مسئله برای او بیان شود که «خدا به پدرت پول داد تا این هدیه را برای تو بخرد، پس بگو خدایا شکر»، به جهت یادآوری این نکته، هم‌زمان با شادی کودک، لطف و محبت خدا در قلبش تثبیت شده، انسش با او بیشتر گردیده و با معرفت بیشتری شکر می‌گوید. اما متأسفانه برخی خانواده‌ها نه تنها خداوند را شکرزبانی نمی‌کنند،





بلکه او را فراموش کرده و با استفاده از نعمت‌های پروردگارشان، به انجام گناه و خطا دست می‌زنند و انتظار دارند فرزند آنان فردی شکرگزار پرورش یابد!

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت به دست می‌آید که مسئله تربیت در اسلام اهمیت زیادی دارد و ائمه علیهم‌السلام بنا بر روایات فراوان، ما را به تربیت صحیح و مذهبی کودکانمان تشویق می‌کنند. در نتیجه، باید سعی در تربیت اسلامی آنان داشته باشیم و تلاش کنیم؛ چرا که آنها مانند شکوفه‌هایی هستند که اگر به‌طور صحیح و درست پرورش داده شوند، مفید و سودمند بوده و به میوه سرشت خود می‌رسند و گرنه فاسد شده یا کال از بطن خود جدا شده و سقوط می‌کنند. اما تربیت صحیح و درست فرزندان، در گرو روش درست و اصولی، همگام با مبانی اسلامی و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام خواهد بود. بهترین روش همان صحبت کردن و اظهار آن به کودکان است. خانواده مرکز مهر و انضباط است و از نظر علمی، هنگامی که مهر و انضباط در هم می‌آمیزند، معجزه تربیت و تنفیذها اتفاق می‌افتد.

منابع

- ۱- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ق، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار الفکر.
- ۳- احسانی، محمد، ۱۳۸۷، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، قم: دفتر عقل.
- ۴- آقامیری، فاطمه، ۱۳۹۷، عطیه الهی، قم: بوستان کتاب.
- ۵- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة، قم.
- ۶- ترکمن، سلمان، ۱۳۹۷، جایگاه مادر در خانواده قرآنی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی. پایان نامه سطح سه حوزه علمیه قم.
- ۷- جوکار، محبوبه، ۱۳۹۱، مادر و تربیت دینی فرزند، ماهنامه مبلغان، شماره ۱۶۲، صص ۸۰-۸۲.
- ۸- حسینی، سید علی اکبر، ۱۳۷۹، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
- ۱۰- شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم: هجرت.
- ۱۱- شکوهی، غلامحسین، ۱۳۹۸، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۲- شمس، زهرا، ۱۳۹۹، ارتباط کودک با خدا، فصلنامه رشد آموزش پیش دبستانی، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۳-۱۲.



- ۱۳- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیرالمیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۴- طبرسی، فضل بن الحسن، ۱۳۸۴، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران: ناصرخسرو.
- ۱۵- عمید، حسن، ۱۳۹۰، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.
- ۱۶- فیومی، أحمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: هجرت.
- ۱۷- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم: دارالحديث.
- 18- Aran, H, Nayebkabar, M, 2012, Role of Parents in Religious and Social Education of Children, International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding, 5 (3), PP 191-180.
- 19- Bunnell, P, W, 2016, Parental Involvement in Elementary Children's Religious Education: A Phenomenological Approach, PhD Thesis at Liberty University.
- 20- Narowe, J, 2000, The role of women in Jewish religious education,
- 21- <http://wcc-oe.org/wcc/what/interreligious/cd35-09.html>
- 22.van Niekerk, M, Breed, G, 2018, The role of parents in the development of faith from birth to seven years of age, Journal of HTS Theological Studies, 74 (2), PP 1-11.

